

تجربه شهری

نوشته ولف تاجرمان

یک شهرک یا شهر اساساً جایی است که مردان و زنان در آن کار و رفت و آمد می‌کنند، با یکدیگر دیدار کرده، برداشش خود می‌افزایند و خود را سرگرم می‌سازند. واضح است که امکانات یک شهر با وسعت، شمار نهادها و قدرت زندگی اقتصادی، تجاری، اجتماعی و فرهنگی آن متناسب است.

اما ساکنان شهرها بسته به خاستگاه، تحصیلات، علائق حرفه‌ای و هدفهایشان، از محیط شهری بی‌امونشان درک‌های متفاوتی دارند. شهر برای بسیاری از مردم به طور ساده مکانی برای زندگی، مکانی برای کار و رفت و آمد میان این دو است. در حالی که دیگران به شهر همچون یک محیط زیست بسیار پیچیده‌تر می‌نگرند که عرصه بسیار وسیعتری را در مقابل ما می‌گستراند.

آیا پوسیدگی شهری

و کاهش

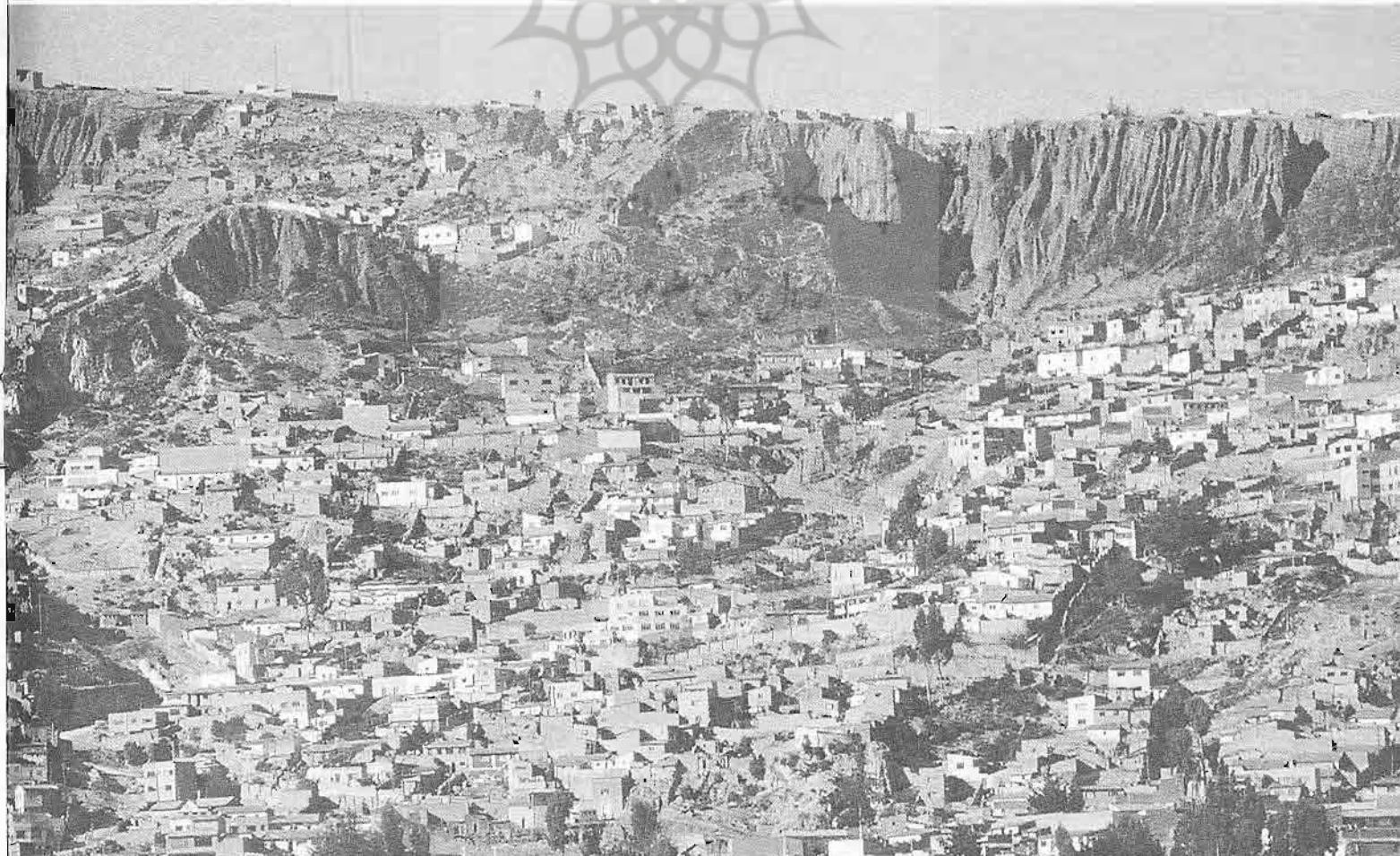
کیفیت زندگی محصول

اجتناب‌ناپذیر

رشد سرطانی

شهرهای جدید

جهان است؟



صفحه مقابل، زمین کوهستانی شهر
لاباز (بولیوی).

سمت راست، خیابانهای مارپیچی
بروژ، دهکده‌ای در شمال شرقی
لیون (فرانسه) که پیدایش آن به
قرون وسطی باز می‌گردد.

بایین، تورونتو (کانادا)، نمونه‌ای
از الگوی شبکه شهری.



برای شهردار و مشاوران شهرداری شهر اساساً یک موجود سیاسی است که باید مشکلات اداره آن را به نفع ساکنانش حل کرد. از نظر آنها شهر به رهبری نیاز دارد که پروژه‌هایی را مطرح یا تشویق کند که به شهر منشی خاص خود بخشیده و آن را از دیگر شهرها متمایز سازد.

برنامه‌ریزان شهری به شهر همچون عرصه عملی می‌نگرند که به دانش و تجربه آنها در سازماندهی نواحی ساخته شده نیاز دارد. آنها می‌کوشند تا نظم را بر هرج و مرج فائق گردانند و به بافت شهری شکل دهند. آنها معمولاً اعتقاد دارند که کارشان پاسخی به خواسته‌های استفاده‌کنندگان است. از سوی دیگر تاریخ نویسان برنامه‌ریزی شهری، شهرها را همچون یک روند مداوم توسعه ترسیم می‌کنند که از دوره‌های متوالی سبک‌های گوناگون معماری تشکیل شده است. هر دوره مفهوم توسعه‌ای خاص خود، روشهای اعمال قدرت ویژه خود و شیوه‌های تولید مخصوص به خود دارد که تمامی آنها می‌توانند کامیابی یا زوال یک منظومه شهری را توضیح دهند.

روشنفکران، پژوهشگران، فیلسوفان و هنرمندان در شهرها به جستجوی نیروهای رقیب و تضادهایی برمی‌خیزند که موجب کار خلاق و تقابل و ترکیب اندیشه‌هایی می‌شود که بدانها برای انگیزختن تخیلشان نیاز دارند. یک محقق حتی به این نتیجه رسید که برای یافتن پنج یا ده نفری که برای پیشرفت کار پژوهشی او ضروری هستند به شهری با جمعیت حداقل یک میلیون نفر نیاز دارد.



شهرها برای مردمی که در حومه شهرها زندگی می‌کنند، حکم آهنربا دارند. شهرها با فرصتهایی که برای کسب درآمد و تفریح می‌آفرینند و وعده - یا سراب - زندگی بهتری که ارائه می‌دهند، به مهاجرت از روستا دامن می‌زنند. این مهاجرت به ویژه در قرن نوزدهم قابل ملاحظه بود. در آن زمان مهاجرت را می‌شد به دلیل بهتر بودن شغلها و دستمزدهای شهرها نسبت به روستاها، توجیه کرد. امروزه به ویژه در کشورهای در حال رشد، شهرها و بالاتر از همه منظومه‌های شهری عمده هنوز مردم روستایی را به خود جذب می‌کنند، هرچند دیگر کاری به هیچ صورتی در بخشهای رسمی اقتصاد وجود ندارد. با اینکه مهاجران از هیچ یک از مزایای زندگی شهر برخوردار نیستند، هنوز امیدوارند که با اقامت گزیدن در یک حوزه شهری بتوانند یک یا دو پله از نردبان سلسله مراتب اجتماعی بالا روند.

چرا برخی شهرها رشد می‌کنند و دیگران عقب می‌مانند

معمولاً تحقیق درباره منشأ یک منظومه شهری دشوار است و عواملی که طی قرن‌ها به توسعه آن کمک کرده یا مانع از آن شده‌اند غالباً مشخص نیستند. چرا باید شهری اهمیت یابد درحالی که شهر دیگری با همان امکانات و موقعیت عقب

بماند و با دامنه و سرعت کمتر توسعه یابد؟ دلایل این امر ممکن است منحصرأ اقتصادی نباشند، هرچند بسیاری از این گونه شهرها در ابتدای رشد خود از یک وضعیت مطلوب ناشی از قرار گرفتن در تقاطع راههای تجاری، در کنار یک رودخانه یا در موقعیت یک بندر طبیعی برخوردار بوده‌اند. اما پایه‌گذاری یک شهرگ یا شهر همچنین ممکن است از تصمیم یک حکمران روحانی و غیر روحانی ناشی شده یا در نتیجه کشف منابع طبیعی یا کار بر روی این منابع و یا احداث یک کارخانه صنعتی باشد. این عوامل غالباً با یکدیگر همراه می‌شوند و انگیزه مساعد و پویایی را برای توسعه شهری فراهم می‌کنند.

بسیاری از شهرسازان میان شهرکها و شهرهای «سنتی» که به شکلی ارگانیک توسعه یافتند و شهرکها و شهرهای «برنامه‌ریزی شده» که بر اساس تصمیم یک حکمران یا حکومت ایجاد شدند تمایز قائل می‌شوند، اما این تمایز آن گونه که ادعا می‌شود چندان واضح و روشن نیست. شهرهای قرون وسطی برنامه‌ریزی شده نبودند، اما این امر مانع از سازمان‌یافتگی فراگیر آنها نبود. شهرهای جدید قرن بیستم هرچند برنامه‌ریزی شده‌اند، معمولاً خصلت شهری واقعی ندارند.

شهرهای سنتی که به شکلی ارگانیک و طی قرن‌ها توسعه یافتند، به دلیل ساختار، هم‌شکلی مصالح ساختمانی و مقیاس

یک خیابان پوشش‌دار در غادامیس (لیبی).

صفحه مقابل، بخشی از انستیتوی تازه تأسیس دنیای عرب در پاریس.

ولف تاجرمان

مسئول برنامه سکونتگاههای انسانی یونسکو و کارشناس مسائل شهری و برنامه‌ریزی شهری. در حال حاضر بر روی پروژه‌ای به نام «آینده شهرها در شرایط وجود مشکلات اجتماعی و فرهنگی؛ راههای سازمان‌دهی و بهبود شرایط زیست‌گروههای محروم» کار می‌کند. کتابی در مورد این پروژه نوشته است که به وسیله یونسکو در ۱۹۹۲ منتشر خواهد شد.

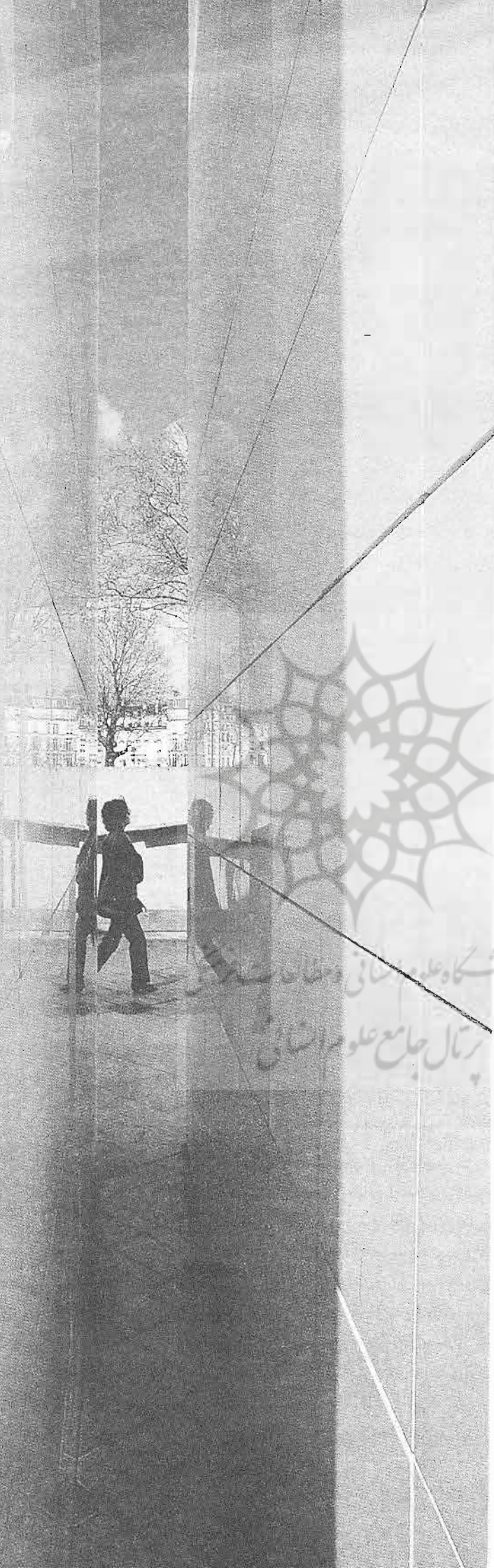
انسانی خیابانهای باریک و فضاهای بازشان از همگنی معینی برخوردارند. برخی از مردم فکر می‌کنند که چنین شهرهایی دینی به برنامه‌ریزان شهری یا مدیران شهر ندارند. آنها فراموش می‌کنند که این شهرها با استانداردهای زمان منطبق شده و کلیساها، دژها، کاخها و برج و باروها و دیگر بناهای یادمانی محصول یک کوشش و کار جمعی بوده‌اند. این واقعیتی است که بسیاری از ساکنان این شهرها محکوم به زندگی در فقر و تنگدستی بوده و روی آسایش نمی‌دیدند. سروصدا، آلودگی، ناامنی، دشواری در تهیه آذوقه و تهدید بیماریهای مسری شرایط معمولی زندگی شهری طی قرن‌ها بوده‌اند.

شهرکها و شهرهای برنامه‌ریزی شده در بیشتر بخشهای جهان وجود داشته‌اند. شهرهای آرمانی رنسانس ایتالیا، شهرهای باروک، شهرهای اسپانیایی آمریکای لاتین، پکن در چین و جاپور در هند همگی از اقدامات سنجیده حکمرانانی به وجود آمدند که می‌خواستند نه تنها بر شکل، بلکه بر سرنوشت نهمایشان نیز تاثیر گذارده و آن را کنترل کنند.

بسیاری شهرها در قرنهای هجدهم و نوزدهم به دلیل رشد انفجاری جمعیت و مهاجرت‌هایی که از انقلاب صنعتی ناشی می‌شد از نو ساخته شدند. آرایشهای منظم و غالباً عمودی در کنار طرحهای سنتی زمین شهری قرار گرفتند. امتدادهای بارسلونا و برلین و طرح خیابانهای واشنگتن، نیویورک، شیکاگو و کانبرا به شکل قابل توجهی تفاوت میان یک بافت شهری ارگانیک و شهری را که شکل و کارکردش از همان آغاز با برنامه‌ریزی دقیق معین شده‌اند نشان می‌دهد.

بسیاری معماران و برنامه‌ریزان شهری که اعتقاد داشتند می‌توانند مسائل معماری و همچنین اجتماعی شهرها را حل کنند، از شهرکها یا شهرهای صنعتی که ویژگی ذاتی قرن بیستم را تشکیل می‌دهند، الهام گرفته‌اند. زیر سلطه دیکتاتوری‌ها، پادمانها به اجبار جای به ابنیه غول‌پیکر مسی سپردند و گونه آشفته‌ای از شهر برنامه‌ریزی شده ظهور می‌کرد. طرح توسعه شهر برلین که به درخواست هینلر و به وسیله آلبرت اسپیر در ۱۹۳۷ تهیه شد و نیز طرح بوخارست که به وسیله چائوشسکو در ۱۹۸۱ تحت عنوان «نظام پردازی شهری» مطرح گردید، متضمن ویران کردن بیرحمانه آنها و مستقر کردن ساختارهایی شهری در درون آنهاست که با خصلت اصلی آنها بیگانه بوده و تحت نفوذ مراکز قدرت ایجاد شده‌اند.

بسیاری کشورها به ویژه از دهه ۱۹۵۰ برای تخفیف ازدحام و متمرکز کردن رشد در نقاط خاص؛ طرحهایی برای احداث شهرهای جدید در پیش نهاده‌اند. در برخی موارد برای اینکه به یک کشور یا یک منطقه هویت تازه ای بخشند، پایتختهای جدید ساخته شده‌اند. دو تا از این پایتختها، برازیلیا و شاندیگار به ویژه به خاطر معماری تماشاایشان شهرت جهانی دارند. کشورهای دیگری نظیر نیجریه و جمهوری متحده تانزانیا نیز احداث پایتختهای تازه را شروع کرده‌اند. دیدن اینکه این شهرها سرانجام چه چیز از کار درخواهند آمد جالب است، زیرا از



شکوه علم انسانی و صلوات
پرتال جامع علوم انسانی

هم اکنون سکونتگاههای موقتی در اطراف آنها در حال افزایش است.

پوسیدگی شهری

در کشورهای صنعتی، پوسیدگی شهری به ویژه در شهرهایی که شاهد تعطیل شدن فعالیتهای اقتصادی با اهمیت هستند به فروپاشی بافت شهری منجر می شود. این پدیده چندین حوزه معدنی و صنعتی در اروپا و ایالات متحده آمریکا را فرا گرفته است و علایم آن نیز قطعات زمین با یروبی مصرف، تأسیسات صنعتی متروکه، بناهای متروکه و غیر قابل سکونت است که بستر مناسبی برای رشد مشکلات اجتماعی نظیر بیکاری و وقوع جرایم تشکیل می دهد.

در کشورهای در حال توسعه مهاجرت روستایی و رشد شدید جمعیت به رشد شتابان شهرنشینی منتهی می شود، امری که جمعیت شناسان، برنامه ریزان شهری و به ویژه مسئولان محلی از آن با تأسف یاد می کنند. برای آنکه انبوه مردمی که مسجذب امکانات زندگی شهری شده و از روستا به شهر یورش می آورند

گبر نشین ها عموماً همچون لکه ای بر چهره شهر و به ساکنان آنها همچون بزحکار، مزاحم یا نامطلوب می نگرند. آنچه در نظر گرفته نمی شود آن است که در حال حاضر در بسیاری شهرها این بخشها قسمت عمده جمعیت را در خود جای می دهند.

مقامات شهر معمولاً می پذیرند که بیرون ریختن این مردم از زمینهایی که به طور غیرقانونی تصرف کرده اند دیگر امکان پذیر نیست. به ویژه از زمانی که خانه های ارزان قیمت دولتی نتوانسته است مسئله ورود تازه واردان را حل کند. علاوه بر این بودجه دولت دیگر از عهده تأمین مالی اقداماتی با چنین ابعادی بر نمی آید.

کیفیت زندگی در تمامی منظومه های بزرگ شهری پایین آمده است. آلودگی، سروصدا، تهدید مداوم بیماریهای مسری یا قحطی و گرسنگی، بالا رفتن نرخ جرایم و کمبود مزمن تسهیلات عمومی بهایی است که باید برای رشد سرطانی شهری پرداخت. به نظر نمی رسد که وضع در چند سال آینده بهتر شود. در دنیایی که بیش از پیش شهسری می شود، اهمیت نقش معماران، برنامه ریزان شهری و طراحان نیز متأسفانه رو به کاهش می رود.



تضاد واضح و خشن در یک بخش مسکونی بانکوک (تایلند) -

شهرکها و شهرها به ویژه در کشورهای در حال رشد به محصول پایانی برنامه ریزی «غیر رسمی» تبدیل می شوند، روندی که طبق آن مردم تکه زمینی تصرف کرده، بر روی آن سکونت گزیده و در آنجا سرپناه توسری خورده ای برپا می کنند. برخی جامعه شناسان به این پدیده همچون آغاز یک فرهنگ تازه شهری می نگرند که از سنن شهرکها و شهرهای تاریخی و یک معماری به اصطلاح «بومی» (معماری بدون معمار) متولد شده است. هنوز نمی دانیم که آیا این فرهنگ شهری تازه ریشه خواهد دواند یا نه، اما می دانیم که شهرکها و شهرهای کشورهای فقیر بدون هیچ برنامه ریزی شهری جامعی به رشد خود ادامه خواهند داد.

ترجمه محمد تقی زاده

اخبار خیابان، یک روزنامه چاپ نیویورک که از نوامبر ۱۹۸۹ برای بی خانمانها منتشر می شود. این روزنامه که هر چهار روز یکبار چاپ می شود، به وسیله خود بی خانمانها در خیابانها فروخته می شود.

جا و مسکن بیابند، هیچ ترتیبی وجود ندارد. هیچ کس به فکر آنها نیست. این مردم بدبختانه ناچارند تا در حومه های شهرها و بر قطعات نامناسب و ناسالم زمین یا بر شیبهای خطرناک بی توته کرده در آنها تدریجاً خانه های موقتی برپا کنند. محلاتی که به این طریق به وجود می آیند عاری از انسجام نیستند، اما به ناچار فاقد زیرساخت، تسهیلات و خدمات اند.

مقامات و مردم شهر از حضور این مردم خشمگین اند. به حلی آبادها، زورآبادها، آلونک نشینها، زاغه نشینها،